

بهانه تراشی به اسم جنگ بس است

رئیس کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تشریح الزامات مدیریت اقتصاد در شرایط جنگی گفت: نظام اقتصادی کشور با توجه به اینکه عملاً وارد یک عرصه مواجهه با جبهه استکبار، آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است، در ماه‌های اخیر همزمان با نبرد نظامی، شاهد اقدامات خصمانه همه‌جانبه دشمن در عرصه اقتصادی نیز بوده است. او با تأکید بر اینکه نخستین گام ضروری، تشکیل یک قرارگاه و ساختار متمرکز تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی است که متأسفانه در حال حاضر وجود ندارد افزود: برخی تصمیمات دولت، کارشناسی شده نیست و نباید با بهانه قرارداددن شرایط جنگی از کنترل ریشه‌های داخلی تورم غفلت کند.

۵



دعوت به مذاکره یا تدارک جنگ؟!

همزمانی پیام ونس، اشتیاق غرب‌گرایان برای توافق خیالی و تهدیدهای ترامپ، خاطره روزهای منتهی به جنگ ۴۰ روزه را زنده کرده است

۷ <



کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با نوبنیاد

«هم می‌جنگیم؛ هم مذاکره می‌کنیم» یعنی پالس ضعف

۶



نگاهی به موج تازه نمایش‌های ایران باستان

علیه ایران
با اسم رمز «ایران»

۸



دقیقه اول جنگ جدید؛
دقیقه آخر حضور در NPT

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

از اردیبهشت ۱۳۹۷ و خروج دونالد ترامپ از برجام، یکی از پاسخ‌هایی که بارها در برابر تشدید فشار غرب، نقض تعهدات و به‌ویژه فعال‌سازی مکانیسم ماشه مطرح شد، خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT بود. اکنون پس از هشت سال، پرسش اساسی این است: اگر حتی جنگ مستقیم نیز نتواند تهران را به بازنگری در این معادله وادار کند، اساساً خط قرمز خروج از NPT کجاست؟

متن کامل در صفحه ۷

صفحه ۳

سیاسی

نمک سخنگوروی زخم مردم

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت که جزو ارکان ضعیف دولت چهاردهم ارزیابی شده و در موج ضعیف‌نمایی از قدرت و ظرفیت‌های کشور، سهم بسزایی داشته است، همزمان با تورم وحشتناک و گرانی‌های روزمره، نمک بر زخم مردم پاشید و گفت که بابت گرانی‌ها و افزایش قیمت‌ها از مردم عذرخواهی نمی‌کند.

صفحه ۴

اقتصادی

فروشگاه‌ها: کالا برگ نداریم!

بدعهدی و تأخیر دولت در تسویه مطالبات فروشگاه‌های طرف قرارداد کالا برگ، سبب سرگردانی فروشندگان و مردم شده است. وقتی فروشگاه مجبور است کالا را نقدی خریداری کند، اما پول فروش کالا برگ خود را با تأخیر زیاد از دولت دریافت کند، ناگزیر به محدود کردن یا توقف پذیرش کالا برگ می‌شود.

خبر کوتاه

مخبّر: اروپا در همکاری با آمریکا،
باد کاشت و امروز طوفان درو می‌کند

محمد مخبر مشاور و دستیار مقام معظم رهبری در پی شکل‌گیری اعتراضات مردمی در چند کشور اروپایی و همچنین اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه که بحران‌های امروز پاریس را به تنگه هرمز مرتبط دانسته، در صفحه شخصی خود نوشت: اروپا در روزهای جولان ترامپ علیه جمهوری اسلامی با عملکرد خود در قالب همکاری ناتو، باد کاشت و امروز با بحران اقتصادی و اجتماعی در حال درو کردن طوفان خود خواسته است. وی افزود: مکرون حالا آشوب‌های پاریس را به تنگه هرمز گره زده است. مشاور و دستیار مقام معظم رهبری تأکید کرد: پیامدهای جنگ ناپرخدانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، جهانی است.

تقدیر فرمانده هوافضای سپاه از اردوی
جهادی قرارگاه مردمیاری در استان فارس

روز گذشته، سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با صدور پیامی از اردوی جهادی درمانی قرارگاه مردمیاری این نیرو که با هدف خدمت‌رسانی به مناطق محروم و مردم آسیب‌دیده از تهاجم آمریکایی-صهیونی در استان فارس برگزار شد، تقدیر کرد. متن پیام سردار موسوی به شرح زیر می‌باشد: محضر خواهان و برادران گرامی گروه پزشکی جهادی؛ سلام علیکم؛ شأن و منزلت انسان‌ها در درگاه الهی در تناظر با تلاش و همت آنها در خدمت به خلق خدا است. خالق هستی همه کائنات را در خدمت بشر قرار داده و چه زیباست که انسان‌هایی از این صفت الهی، الهام گرفته و وجود خود را وقف اشرف مخلوقات قرار می‌دهند و برای جلب رضایت حضرت حق، خدمت به خلق را وظیفه خود می‌دانند. به همت و تلاش جهادی شما عزیزان که در مجاورت میدان رزم و مشهد ایثارگران نیروی هوافضا، برای کاهش بخشی از آلام مردم عزیزمان، خدمت‌رسانی می‌نمایید، درود می‌فرستیم و برای موفقیت‌ها روز افزون دعا می‌نمایم.

وزیر دفاع: تدابیر لازم را برای مقابله
با «مادر بمب‌ها» اندیشیده‌ایم

مهرداد اخلاقی، وزیر دفاع و واکنش به تهدید «مادر بمب‌ها» از سوی رئیس‌جمهور جنایت‌کار آمریکا گفت: ما تدابیر لازم برای مقابله با «مادر بمب‌ها» را اندیشیده‌ایم و خیالمان راحت است؛ با اطمینان کار خود را انجام می‌دهیم. ترامپ باید به فکر این باشد که نیروهایش را سالم از منطقه ما خارج کند. اگر یک بمب ببیند، باید ببیند چند نفر از نیروهایش را باید به صورت افقی از منطقه خارج کند.

خیابان‌ها تا شکست دشمن
خالی نمی‌شود

تداوم حضور شبانه مردم در خیابان‌ها، حفظ این تجمعات تا پایان شکست قطعی دشمن از جمله محورهایی بود که اتمه جمعه این هفته در سراسر کشور به آن‌ها اشاره داشتند. حجت‌الاسلام والمسلمین حسن علی‌دادی سلیمانی، خطیب جمعه کرمان با تقدیر از حضور میدانی مردم اظهار کرد: اجتماع و حضور شبانه مردم در خیابان‌ها نشان‌دهنده بیداری و آمادگی کامل ملت است و همین حضور، محاسبات دشمن را برهم می‌زند. وی با بیان اینکه مردم پشتوانه اصلی نظام هستند، این تجمعات مردمی را عاملی بازدارنده و امنیت‌ساز در برابر تهدیدات پوشالی مستکبران توصیف کرد.

تلاش برای انتصاب فردی بدنام
در وزارت اطلاعات!

میثم ظهوریان نماینده مردم مشهد در مجلس نوشت: به دلیل اصرار جریان‌ی در دولت برای انتصاب فردی بدنام؛ هفت ماه است که در میانه جنگ کشور بدون وزیر اطلاعات اداره می‌شود؛ در حالی که علاوه بر وزیر معاونین وزارت نیز در همان روز اول جنگ به شهادت رسیده بودند. وی افزود: از لحاظ قانونی نیز اداره وزارتخانه صرفاً برای سه ماه مجاز است و اگر یک ماه و نیم اجازه تمدید این مهلت را نیز اضافه کنیم؛ عملاً حدود سه ماه وزارت حتی فاقد سرپرست قانونی است.

پس از اجماع ملی در ضرورت بازنگری در دکترین هسته‌ای، خطیب جمعه تهران تأکید کرد که پیشنهادها به محضر رهبر انقلاب می‌رسد تا مطابق تصمیم ایشان عمل شود؛

بازنگری هسته‌ای در دستور کار



«مردم نه به دنبال جنگ افروزی هستند و نه در برابر فشار دشمن تسلیم می‌شوند؛ بلکه خواهان شریاطی هستند که دشمن دیگر جرئت تهدید ملت ایران را نداشته باشد.»

مطالبه تغییر دکترین هسته‌ای
حق مردم است

همچنین خطیب جمعه همدان با تأکید بر اینکه تجربه‌های بین‌المللی نشان داده نمی‌توان به وعده‌های دشمن اعتماد کرد، گفت: «با خوی استکباری و وحشی‌گری دشمن، امروز مردم حق دارند از تغییر دکترین هسته‌ای حرف بزنند.»

درخواست مجوز بمب هسته‌ای
از رهبر انقلاب

سید محمود نبویان، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، در حساب شخصی خود نوشت: «در جمع مردم شریف قم درخواست مجوز ساخت بمب اتم از مقام معظم رهبری را مطرح کردم که با تکبیر و تأیید مردم مبعوث شده همراه شد.»

سلاح هسته‌ای؛ راه تضمین امنیت ملی

شهریار زرشناس، کارشناس علوم سیاسی و استاد دانشگاه سوره، طی گفت‌وگویی درباره ضرورت خروج از ان پی تی اظهار کرد: «استراتژی امنیت ملی ایران باید به سمت بازدارندگی هسته‌ای حرکت کند؛ همان مسیری که چین در سال ۱۹۶۴ و شوروی در سال ۱۹۴۹ طی کردند و به قدرت بازدارندگی رسیدند.» وی افزود: «کره شمالی با وجود وسعت کم، منابع محدود و محاصره نظامی آمریکا، توانست با دستیابی به سلاح هسته‌ای امنیت خود را حفظ کند و ترامپ را از تهدیدهای اولیه‌اش عقب بنشانند.» زرشناس با طرح این سؤال که چرا نباید ایران از چنین قدرت بازدارنده‌ای برخوردار باشد؟ افزود: «اگر دشمن بار دیگر به ایران حمله کرد، باید برتری نظامی خود را تثبیت کنیم و اجازه ندهیم جریان‌های غرب‌گرا و طرفداران مداخلات مانع آن شوند.» وی تأکید کرد: «از نظر من، دستیابی به بازدارندگی مبتنی بر سلاح هسته‌ای، راه تضمین امنیت ملی و جلوگیری از تکرار تجاوز به ایران است.» سوتیتز: در صنعت هسته‌ای از پاکستان، هند و اسرائیل جلوتریم

محمد جواد لاریجانی، کارشناس مسائل سیاسی و بین‌الملل، درباره ظرفیت‌های ایران در ساخت سلاح هسته‌ای اظهار کرد: «ساخت بمب اتم برای ما اسباب‌بازی است، در صنعت هسته‌ای از پاکستان، هند و اسرائیل جلوتریم.»

وی افزود: این خواسته با حق ملت ایران برای برخورداری از زندگی عزتمندانه و امنیت پایدار ارتباط دارد و نمی‌توان آن را صرفاً واکنشی مقطعی یا احساسی دانست. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی‌اکبری با اشاره به بازتاب طرح این موضوع در میان اقشار مختلف جامعه اظهار داشت: «پس از مطرح‌شدن این مطالبه، موجی از استقبال و درخواست در بخش‌های مختلف جامعه شکل گرفت و گروه‌هایی از جمله دانشجویان، دانش‌آموزان، استادان دانشگاه، نخبگان و اصناف نسبت به آن واکنش نشان دادند.»

وی با اشاره به نتایج یک نظرسنجی که بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان در آن خواستار بازنگری در دکترین هسته‌ای بوده‌اند، تأکید کرد: «با یک مطالبه ملی روبه‌رو هستیم و این موضوع به یک گروه خاص محدود نمی‌شود.»

امام جمعه موقت تهران خاطرنشان کرد: «ضروری است نخبگان و صاحب‌نظران با بررسی دقیق ابعاد مختلف موضوع، پیشنهادها و طرح‌های خود را ارائه کنند تا مسئولان مرتبط نیز بررسی‌های تکمیلی را انجام دهند.» «همه در چارچوب رهبری حرکت بر ضرورت بررسی کارشناسی این مطالبه گفت: «پیشنهادهای و جمع‌بندی‌های حاصل از بررسی‌ها باید به محضر رهبر عزیز، حکیم و عالی‌قدر انقلاب ارائه شود تا مطابق تشخیص و تصمیم ایشان عمل شود.»

وی افزود: «همه در چارچوب رهبری حرکت می‌کنند و هر تصمیمی که ایشان اتخاذ کنند، مبنای عمل خواهد بود؛ با این حال، طرح و بررسی مطالبه‌ای که در سطح جامعه شکل گرفته نیز اهمیت دارد.»

قابل ذکر است سخنان خطیب جمعه تهران بسیار حائز اهمیت است. چرا که طرح موضوع بازنگری در دکترین هسته‌ای نیز تاکنون بیشتر در محافل مردمی، نخبگان و احزاب سیاسی مورد پیگیری و توجه قرار گرفته بود. از همین رو، صحبت بازنگری، آن هم در مهم‌ترین تریبون رسمی کشور توسط نماینده رهبر انقلاب، حاکی از این مطلب است که مطالبه تغییر در دکترین هسته‌ای در لایه‌های مهم حاکمیتی نیز وجود دارد.

مردم سلاح هسته‌ای را برای بازدارندگی
مطالبه می‌کنند

علاوه بر این، آیت‌الله محمد مهدی حسینی همدانی، خطیب جمعه کرج، با اشاره به مطالبات مردم حاضر در تجمعات، خون‌خواهی شهدا و تقویت قدرت بازدارندگی کشور را خواسته اصلی آنان عنوان کرد و گفت:

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

تجربه‌های جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان نشان داد که با رعایت و پایبندی بیشتر به دستورالعمل‌های بین‌المللی و اعتمادسازی یک‌جانبه از سوی ایران، امکان ندارد که دیگر برای کشورمان با راهبرد چند دهه اخیر «امنیت» تضمین شود. چرا که نمی‌توان امنیت ملی را از طرف‌هایی تضمین گرفت که برای پیشبرد اهداف خود به تحریم و نیروی نظامی متوسل می‌شوند. از همین رو، با توجه به سابقه کشورمان در پرونده مطول هسته‌ای با آژانس که همراه با شدیدترین نظارت‌ها بود و سرانجام تحت حمله قرار گرفتن تأسیسات هسته‌ای توسط اسرائیل و آمریکا و ترور دانشمندان، دیگر منطقی نیست که بدون بازنگری در محاسبات گذشته دکترین هسته‌ای و تعامل با نهاد‌های بین‌المللی، از ادامه همان مسیر دفاع کرد. در همین راستا و با توجه به این موضوع مهم، مطالبه خروج از پیمان ان پی تی و بازنگری در دکترین هسته‌ای، طی هفته‌های اخیر در میان اهالی رسانه، کارشناسان و نخبگان حوزه سیاسی و بین‌الملل و مردم مبعوث حاضر در میادین شدت گرفته بود. مطالبه‌ای که این روزها به یک امر ملی بدل گردیده است و برای اولین بار در مهم‌ترین تریبون رسمی حاکمیت مورد توجه ویژه قرار گرفت.

روز گذشته، در واکنش به تشدید مطالبات خروج از ان پی تی و بازنگری در دکترین هسته‌ای، خطیب نماز جمعه تهران با اشاره به این مطالبه بازنگری اظهار کرد: «چرا نباید در دکترین هسته‌ای تجدید نظر کنیم؟ ملت ایران در طول سال‌های گذشته تجربه‌های دردناکی از رفتار آمریکا داشته است؛ طرف مقابل از خطوط قرمز ملت ایران عبور کرده، رهبر شهید انقلاب را به شهادت رسانده و به تعهدات و توافق‌های خود پایبند نمانده است.»

وی ادامه داد: «ملت ایران در مسیرهای مختلف فرصت تعامل و توافق را فراهم کرده، اما تجربه بدعهدی‌های طرف مقابل، ضرورت بازنگری در برخی محاسبات امنیتی را به یک موضوع جدی تبدیل کرده است.» امام جمعه موقت تهران با تأکید بر اینکه طرح این موضوع ناشی از یک واکنش هیجانی نیست، گفت: «این مطالبه برآمده از بلوغ آگاهی و بصیرت ملت ایران است؛ ملتی که برای امنیت خود اهمیت قائل است و انتظار دارد مسئولان در معادلات امنیتی کشور، همه ابعاد و تجربه‌های گذشته را در نظر بگیرند.»

❶ کمیته رسانه‌ای مذاکرات اسلام‌آباد منحل شد



روز گذشته اعلام شد کمیته رسانه‌ای مذاکرات به دستور یک مقام ارشد امنیتی منحل شد. این کمیته از زمان مذاکرات اسلام‌آباد به ریاست محمد باقر قالیباف متشکل از نزدیکان و مشاوران رئیس مجلس تشکیل شد

با این حال از همان ابتدا به جای تبیین موضوعات و ایجاد روند درست و منطقی اطلاع‌رسانی، تخصم و مشاجره با منتقدان مذاکرات را در پیش گرفت. اینک و با فروپاشی تفاهم اسلام‌آباد و اذعان برخی از اعضای همین کمیته رسانه‌ای منحل مبنی بر پایان تفاهم‌نامه، کمیته رسانه‌ای مذاکرات اسلام‌آباد نیز به تاریخ پیوسته است.

ضمن اینکه اخبار متعددی از واگذاری پرونده مذاکرات به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نیز شنیده می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز مطالبات خود در خصوص مذاکرات را در دیدار با سرلشکر محسن رضایی مطرح کرده

بود و نه محمد باقر قالیباف. طبق گزارش منتشر شده، رهبر انقلاب در این دیدار بر پیگیری تأمین حقوق و منافع ملت ایران و جبهه مقاومت از طریق تحقق شروط مطرح شده از سوی مسئولان کشور با هدف پایان جنگ و شرایط «نه جنگ، نه صلح» تأکید کردند.

با وجود انحلال کمیته رسانه‌ای مذاکرات اسلام‌آباد، برخی اعضای این کمیته منحل همچنان بر ابراز نظرات شخصی و سیاسی خود ذیل عنوان حقوقی عضو کمیته رسانه‌ای مذاکرات تأکید دارند. اقدامی غیر اخلاقی که انتظار می‌رود با انحلال این کمیته پایان یابد.

مهاجرانی در نشست خبری گفته است از عدم اطلاع‌رسانی گرانی‌ها عذرخواهی می‌کند نه از خود گرانی‌ها

نمک سخنگو روی زخم مردم

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت که جزو ارکان ضعیف دولت چهاردهم ارزیابی شده و درموج ضعیف‌نمایی از قدرت و ظرفیت‌های کشور، سهم بسزایی داشته است، همزمان با تورم وحشتناک و گرانی‌های روزمره، نمک بر زخم مردم پاشید و گفت که بابت گرانی‌ها و افزایش قیمت‌ها از مردم عذرخواهی نمی‌کند. عدم عذرخواهی سخنگوی دولت از مردم در حالی است که کشور در یک شرایط ویژه اقتصادی متأثر از تصمیمات اشتباه دولتمردان بسر می‌برد و اینگونه مواضع و اظهارنظرها به صورت مستقیم بر مولفه تاب‌آوری مردم تأثیرگذار است.

امین مهاجر
روزنامه‌نگار

درآوردن لج مردم و ضربه‌زدن به حیثیت دولت نمی‌کند.

وی افزود: برای دو سال باقیمانده از عمر دولت، این تربیون را به کسی بسپارید که عصبی نشود و ویتترین قوه مجریه را دلپذیر سازد. در این زمینه نه فقط الرجال داریم، نه فقط النساء!

حاشیه‌های بی‌پایان سخنگو

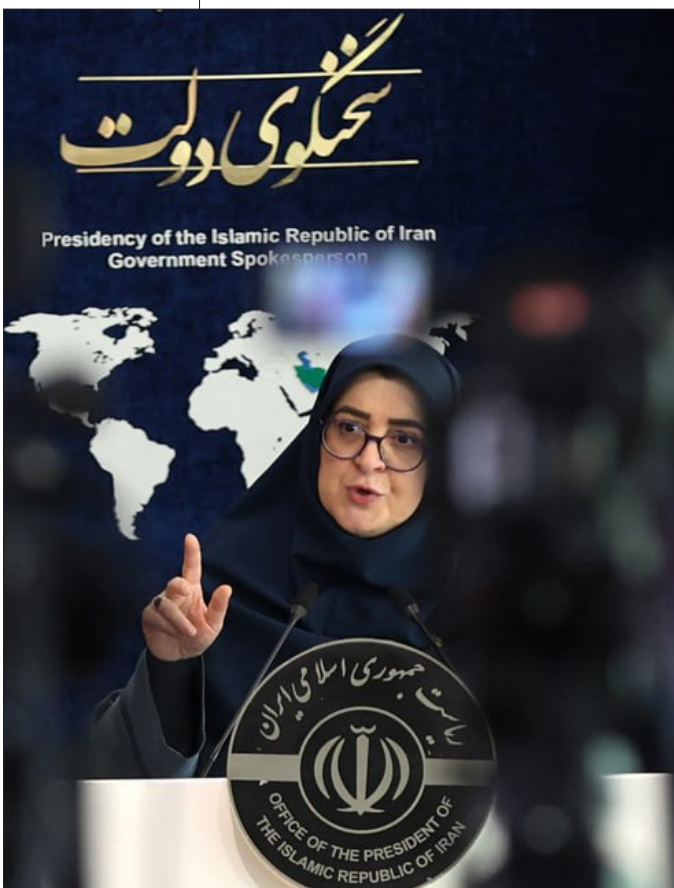
در طول بیش از دو سال ریاست جمهوری مسعود پزشکیان، به جز حواشی پرتعداد شخص رئیس دولت و همچنین جعفر قائم‌پناه معاون اجرایی او، فاطمه مهاجرانی از جمله پرحاشیه‌ترین اعضای ارشد دولت بوده است. اخیراً اعداد و ارقام عجیبی از تخلف ارزی گسترده وزارت نفت در دوره پاک‌نژاد در برخی رسانه‌ها منتشر شده از جمله ادعای عدم بازگشت ۴۰۷ میلیارد دلار حاصل از فروش نفت؛ با این حال سخنگوی دولت پانزدهم مهرماه گذشته در پیامی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس، نوشته بود: «پاک‌نژاد با کارنامه موفق رفت»!

موضوع انتقال پایتخت نیز یک نقطه سیاه در کارنامه دو ساله فاطمه مهاجرانی است. او دیماه سال ۱۴۰۳ کنفرانس خبری هفتگی خود درباره انتقال پایتخت گفته بود: جایی که دولت در نظر گرفته است منطقه مکران است. به گفته

هفته گذشته و در جریان نشست خبری هفتگی سخنگوی دولت، فاطمه مهاجرانی در اظهارنظری عجیب گفته است صرفاً بابت عدم اطلاع‌رسانی قبل از افزایش قیمت‌ها عذرخواهی میکند نه بابت اصل گرانی‌ها. به گفته او، تصمیمات مرتبط با افزایش قیمت‌ها، تصمیمی بود که در یک ساختاری گرفته شده و من از عدم اطلاع‌رسانی عذرخواهی می‌کنم!

اظهارنظر عجیب سخنگوی دولت، واکنش برانگیز شد و از جمله مجتبی یوسفی، نماینده مردم اهواز در مجلس به کنایه گفته است: سخنگوی دولت گفته بود بابت گرانی از مردم عذرخواهی نمی‌کنیم؛ اما ما، در کنار ۹۰ میلیون ایرانی، بابت فشار سنگین گرانی مرغ، روغن و گوشت بر مردم عذرخواهی می‌کنیم. وی افزود: وقتی سفره‌ها هر روز کوچک‌تر می‌شود، دست‌کم انتظار می‌رود مسئولان اقتصادی صدای مردم را بشنوند و پاسخگو باشند.

واکنش‌ها به مواضع سخنگوی دولت البته به یک طیف خاص محدود نماند. محد مهاجری چهره رسانه‌ای حامی دولت که مدتی نیز عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت چهاردهم بوده است، در اینباره بر فرارسیدن وقت خداحافظی مهاجرانی از سخنگوی دولت تأکید کرد و نوشت: دلسوزانه عرض می‌کنم: سخنگوی دولت مدتهاست کاری جز



مهاجرانی دوشورا تشکیل شده که یکی مشکلات پایتخت را «احصاء» می‌کند و دیگری شورایی که درباره اقتصاد دریا محور کار می‌کند و ظرفیت‌هایی را که در منطقه مکران نیاز است بررسی میکند.

مهاجرانی همچنین گفته بود تحقیق در این باره ادامه دارد اما پایتخت جدید قطعاً در جنوب کشور است. همین اظهارنظر مهاجرانی کافی بود تا موجی از گمانه‌زنی‌ها در خصوص مکران به راه بیافتد و حتی گزارشات متعددی از نوسانات شدید قیمت ملک در این منطقه و مشکلات مرتبط با آن اهالی بومی مکران منتشر شد با این حال مهاجرانی چند روز بعد سخن پیشین خود را پس گرفت و مدعی شد: من نگفتم پایتخت به مکران خواهد رفت؛ معنای این سخنان یعنی مطالعه‌ای در حال انجام است و پیشتر هم گفتم که آماده شنیدن نظرات کارشناسی دانشگاهیان و خبرگان و نخبگان در این زمینه هستیم.

یادداشت

از تله میانجی‌ها تا بن بست آمریکا

سپهر خلجی
رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم

وال استریت ژورنال از نامه‌نگاری ونس با سرلشکر رضایی خبر داده و واشنگتن پست هم تحلیل کرده دولت ترامپ سرلشکر رضایی را تنها شخصیتی می‌داند که قادر به ادامه مذاکره است. فرامتن نامه ونس: ۱- آمریکایی‌ها تا الان از تهدیدها نتیجه نگرفتند. از تله میانجی‌ها هم دیگه نه‌آبی برایشان گرم می‌شود و نه قیمت نفت پایین می‌آید. ۲- همانطور که دبیرشعاع گفت ایران از مذاکرات شکست خورده اسلام‌آباد عبور کرده.

اکنون معما این نیست که ترامپ باید میان شرایط بد و بدتریکی را انتخاب کند، بلکه انتخاب او الان میان شرایط بدتر و بدترین است. واقعیت این است که قبول جمهوری اسلامی که امروز به نسبت قبل جنگ قدرتمندتر شده بسیار سخت است ضمن اینکه حالا بر گلوگاه انرژی جهان نیز سیطره خود را قدرتمندانه تثبیت کرده و در چشم دنیا یک ابرقدرت نظامی میدان دیده شده که تا اینجا کار توانسته شاخ آمریکا و رژیم صهیونیستی را در جنگی تمام عیار بشکند و دیگر حتی از جنگیدن با بزرگترین قدرت‌های اتمی جهان نیز واهمه‌ای ندارد. و خداوند اینگونه مؤمنین را یاری می‌کند.

خبر کوتاه

توقیف و انفجار سه فروند نفتکش متخلف در آبهای جنوبی تنگه هرمز

روز گذشته، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه از انفجار یک سوپر نفتکش و متوقف شدن دو فروند نفتکش متخلف در آبهای جنوبی تنگه هرمز خبر داد. نفتکش‌های توقیفی یکی در محدوده شرق و دیگری در محدوده غرب تنگه هرمز که قصد عبور از مسیر غیر مجاز را داشتند دچار حادثه شده و در آبهای جنوبی تنگه هرمز متوقف گردیدند. این دو نفتکش تمامی سامانه ناوبری و موقعیت یاب خود را خاموش نموده و با حمایت ارتش تروریست امریکایی تلاش داشتند از مسیر غیرمجاز تنگه هرمز خارج شوند. روابط عمومی نیروی دریایی سپاه همچنین طی اطلاعیه خود اعلام کرد: توقف و آتش سوزی شناورهای متخلف در نتیجه شرارت ارتش تروریست امریکا و بی توجهی و نادیده گرفتن مقررات ایرانی تنگه هرمز است.

انهدام شمیاد دشمن توسط نیروی دریایی ارتش

روز گذشته روابط عمومی نیروی دریایی ارتش از انهدام یک فروند شمیاد متعلق به دشمن قرار خبر داد. در اطلاعیه روابط عمومی ارتش آمده است: «بامداد امروز، یک فروند شمیاد متعلق به دشمن که در حال تردد و فعالیت در محدوده عملیاتی شرق تنگه هرمز بود، توسط دریادلان نیروی دریایی ارتش مورد اصابت قرار گرفت و منهدم شد. همچنین دو فروند نفتکش متخلف دشمن که بدون توجه به هشدارها و ضوابط اعلام‌شده، با خاموش کردن سامانه‌های ردیابی در مناطق ممنوعه و ناامن شرق تنگه هرمز تردد می‌کردند، پس از برخورد با مین‌های دریایی دچار آسیب و آتش سوزی شدند. مسئولیت کامل پیامدهای ناشی از تردد غیرمجاز و بی توجهی به هشدارهای ایمنی و دریایی بر عهده صاحبان نفتکش‌ها خواهد بود.»

اروپا برای جنگ ایران ماهانه ۱۰ میلیارد یورو بیشتر می‌پردازد



کشورهای اروپایی پس از آغاز تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در فوریه ۲۰۲۶، امسال هزینه بسیار بیشتری بابت واردات نفت خام و فرآورده‌های نفتی نسبت به سال ۲۰۲۵ می‌پردازند. مصرف‌کنندگان اروپایی هم‌اکنون با قیمت‌های بالاتری برای بنزین و گازوئیل مواجه‌اند. حال، صورت حساب واردات اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که هزینه‌ها تا چه حد شدیداً افزایش یافته‌اند. در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶، اتحادیه اروپا به‌طور میانگین ماهانه ۲۷.۶ میلیارد یورو صرف واردات نفت و فرآورده‌های نفتی کرده است که نسبت به میانگین ۱۷.۷ میلیارد یورو در ماه در سال ۲۰۲۵، افزایشی ۵۵.۸ درصدی را نشان می‌دهد. این در حالی است که حجم نفت وارداتی تغییر چندانی نکرده و تنها ۱.۲ درصد افزایش یافته و از ۳۶.۳

میلیون تن در ماه در سال ۲۰۲۵، به ۳۶.۷ میلیون تن در سال جاری میلادی رسیده است. این بدان معناست که اتحادیه اروپا ماهانه ۹.۹ میلیارد یورو بیشتر پرداخت کرده است. پروفیسور «شیائویی مو» از دانشگاه داندی گفت: «میانگین ماهانه قیمت نفت خام برنت در سه‌ماهه دوم سال جاری، ۴۹.۵ درصد بیشتر از میانگین قیمت ماهانه در سال ۲۰۲۵ است که معادل ۳۴ دلار افزایش در هر بشکه می‌شود.» شیمون کارداس، پژوهشگر شورای روابط خارجی اروپا، تأکید کرد: تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران موجب اختلال در تولید و عرضه نفت به بازارهای جهانی شده و قیمت‌ها را بالا برده است. در هفته اول ژانویه ۲۰۲۶، قیمت گازوئیل در سراسر

نوپنیداز تأخیر در تسویه حساب با فروشندگان گزارش می‌دهد؛

فروشگاه‌ها: کالابریک نداریم!

بدعهدی و تأخیر دولت در تسویه مطالبات فروشگاه‌های طرف قرارداد کالابریک، سبب سرگردانی فروشندگان و مردم شده است. وقتی فروشگاه مجبور است کالا را نقدی خریداری کند، اما پول فروش کالابریک خود را با تأخیر زیاد از دولت دریافت کند، ناگزیر به محدود کردن یا توقف پذیرش کالابریک می‌شود. نتیجه ماجرا این است که مردم اعتبار را در حساب خود می‌بینند، اما هنگام خرید در فروشگاه با پاسخ «کالابریک نداریم» روبه‌رو می‌شوند.

تسویه نشده، مطالبات انباشته فروشگاه‌ها می‌تواند به حدود ۷۲ هزار میلیارد تومان برسد.

دولت باید به تعهدات خود عمل کند

علیرضا سلیمی، عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، نیز با انتقاد از تأخیر دولت در پرداخت مطالبات مراکز ارائه خدمات کالابریک، گفت: متأسفانه بسیاری از مراکز ارائه خدمات کالابریک به دلیل عدم پایبندی دولت به انجام تعهدات خود در پرداختی به آن‌ها از پذیرفتن کالابریک امتناع می‌ورزند. او ادامه داد: نمی‌توان انتظار داشت که فروشندگان خرد که دولت به آن‌ها مجوز پذیرفتن کالابریک را داده است، چند ماه برای پرداخت مبالغ انباشته‌شده از سوی دولت معطل بمانند؛ چراکه قطعاً با تداوم این روند با مشکلات اساسی مواجه خواهند شد. سلیمی با اشاره به شرایط دشوار اقتصادی فروشندگان خرد خاطرنشان کرد: دولت باید به این نکته توجه کند که فروشندگان خرد به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی به سختی فعالیت می‌کنند و باید علاوه بر هزینه‌های زندگی، نسبت به پرداخت اجاره‌بهای مغازه و اقساط بانکی هم اقدام کنند. این نماینده مجلس تأکید کرد: دولت باید هرچه سریع‌تر نسبت به پرداخت مطالبات مراکز ارائه خدمات کالابریک اقدام کند؛ چراکه منابع مالی مورد نیاز این بخش تأمین شده و در این زمینه درآمد قطعی دارد؛ ضمن اینکه متعهد شده است هزینه‌های این بخش را به موقع پرداخت کند.

موجودی هست، اما خرید انجام نمی‌شود!

مشکل کالابریک تنها به تسویه نشدن مطالبات فروشگاه‌ها محدود نمانده و گزارش‌ها از اختلال در استفاده از اعتبار نیز حکایت دارد. ایسنا دیروز در گزارشی از مغایرت میان موجودی نمایش داده‌شده در سامانه استعلام و امکان واقعی خرید در فروشگاه‌ها خبر داد و نوشت: برخی شهروندان پس از افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار، هنگام استعلام با موجودی بیش از یک میلیون تومان مواجه شده‌اند، اما هنگامی مراجعه به فروشگاه‌های طرف قرارداد نتوانسته‌اند خرید خود را با این اعتبار انجام دهند. بررسی در برخی فروشگاه‌های مناطق مرکزی و غرب تهران نیز نشان می‌دهد که این مشکل صرفاً به استعلام شهروندان محدود نمی‌شود و در مرحله ثبت خرید و استفاده از اعتبار کالابریک نیز بروز می‌کند. اکنون پرسش اصلی این است که چگونه می‌تواند به با هدف حمایت از قدرت خرید خانوارها و تأمین امنیت غذایی اجرا شده، در مرحله توزیع و تسویه با فروشندگان با چنین مشکلاتی روبه‌رو شده است؟! اعتبار کالابریک زمانی برای مردم ارزش واقعی دارد که بتوانند با آن کالاهای مورد نیاز خود را از فروشگاه‌ها تهیه کنند. شارژ اعتبار در حساب خانوار، بدون تضمین تأمین منابع و پرداخت به موقع مطالبات فروشندگان، نمی‌تواند به‌تنهایی اهداف حمایتی دولت را محقق کند. اگر دولت برای تسویه تعهدات خود برنامه‌ای روشن، منظم و قابل پیش‌بینی ارائه نکند، نتیجه آن انتقال هزینه اجرای سیاست حمایتی به کسبه، کاهش انگیزه فروشندگان برای همکاری و در نهایت سرگردانی مردمی خواهد بود که قرار بود کالابریک گهری از مشکلات معیشتی آن‌ها باز کند.



نیما سهیلی

روزنامه نگار

نیمه دی ماه سال گذشته، هم‌زمان با اجرای مرحله جدید سیاست ارزی دولت چهاردهم و حذف ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی کالاهای اساسی، قرار شد مابه‌التفاوت ناشی از افزایش نرخ ارز، به جای پرداخت به واردکنندگان، در قالب کالابریک الکترونیکی به خانوارها اختصاص پیدا کند. بر همین اساس، ماهانه به‌ازای هر ایرانی ساکن کشور، یک میلیون تومان اعتبار خرید ۱۱ قلم کالای اساسی در نظر گرفته شد؛ اعتباری که قرار بود با افزایش قیمت کالاهای متناسب با افزایش نرخ ارز، هر سه ماه یک‌بار افزایش یابد تا قدرت خرید خانوارها در برابر موج گرانی‌ها حفظ شود. دولت از اردیبهشت‌ماه امسال افزایش اعتبار کالابریک را مطرح کرد، اما این وعده تا مهرماه سال جاری فقط در حد حرف باقی ماند. سپس قرار شد این افزایش از نیمه مهرماه اجرایی شود، اما روند ثبت نام، شناسایی و راستی‌آزمایی مسئولان، اجرای آن را به تعویق انداخت. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دیروز اعلام کرد اعتبار کالابریک ۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از یک میلیون تومان به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش یافته است و اعتبار سایر ثبت‌نام‌کنندگان نیز پس از بررسی مشترک وزارت کار و سازمان برنامه و بودجه، در ۱۵ آبان اعمال خواهد شد. سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، نیز از شناسایی افرادی خبر داد که به دلیل نداشتن دسترسی‌های امنکانات لازم، موفق به ثبت اطلاعات نشده‌اند.

اما در کنار بدقولی‌های دولت، بار دیگر تسویه نشدن به موقع مطالبات فروشگاه‌های طرف قرارداد کالابریک، نه تنها فروشندگان، بلکه مردم را نیز در خرید سرگردان کرده است. در واقع، در شرایطی که دولت اعتبار کالابریک را در حساب خانوارها شارژ می‌کند، بخشی از فروشندگان به دلیل دریافت نکردن پول فروش‌های قبلی، از فروش کالا بر اساس کالابریک خودداری می‌کنند. نتیجه آن است که مردم، با وجود داشتن اعتبار، هنگام مراجعه به فروشگاه با پاسخ «کالابریک نداریم» مواجه می‌شوند. این اتفاق نخستین بار نیست که رخ می‌دهد. در اواخر تیرماه و مردادماه امسال نیز این موضوع رخ داد؛ این در حالی است که طبق مصوبه دولت، زمان تسویه با فروشندگان حداکثر ۷۲ ساعت تعیین شده است. در شهریورماه اعلام شده بود که تسویه مطالبات فروشگاه‌ها، با توجه به منابع تخصیص یافته، ممکن است در بازه دو تا چهار هفته انجام شود. اکنون این چرخه دوباره در حال تکرار است. بررسی میدانی نوپنیداز نشان می‌دهد برخی واحدهای صنفی و میادین میوه و تره‌بار، به خصوص غرفه‌های گوشت، مرغ، تخم مرغ و لبنیات، از پذیرش کالابریک خودداری می‌کنند. فروشندگان علت این موضوع را تسویه نشدن مطالبات از سوی دولت اعلام کردند و گفتند که چک دارند و امکان ادامه فروش بدون دریافت پول را ندارند.

ابعاد این مشکل زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفت که

موج خبر

تکذیب غیرفعال شدن کارت سوخت خودروهای فرسوده

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران اعلام کرد: در پی انتشار برخی اخبار و مطالب در فضای مجازی مبنی بر غیرفعال شدن کارت‌های هوشمند سوخت خودروهای با عمر بیش از ۲۵ سال و موتورسیکلت‌های با عمر بیش از ۱۰ سال، به آگاهی می‌رساند خبر منتشرشده مبنی بر غیرفعال‌سازی کارت‌های سوخت این وسایل نقلیه، مورد تأیید نیست. از هموطنان عزیز درخواست می‌شود ضمن پرهیز از توجه به اخبار تأیید نشده و بازنشر مطالب فاقد منبع معتبر، اخبار و اطلاعات‌های مرتبط با کارت هوشمند سوخت و نحوه عرضه فرآورده‌های نفتی را صرفاً از طریق مراجع رسمی و پیگیری کنند.

گرانی سوخت؛ کابوس تازه صنعت هوانوردی

با طولانی شدن جنگ ایران و افزایش نزدیک به ۲ برابری قیمت سوخت جت نسبت به پیش از آغاز جنگ، شرکت‌های هواپیمایی تمایل کمتری به استفاده از ابزار پوشش ریسک برای تأمین هزینه‌های آتی سوخت نشان می‌دهند؛ روندی که شرکت‌های هواپیمایی را به افزایش کرایه‌ها تا ۲۰ درصد سوق داده است. شرکت هواپیمایی ایرآسیا، اعلام کرد: این شرکت خود را برای تداوم قیمت‌های بالای نفت آماده می‌کند و دیگر منتظر تغییر شرایط ژئوپلیتیکی نمی‌ماند. شرکت‌های هواپیمایی ناچارند برای مقابله با افزایش هزینه‌ها، یا مخارج خود را کاهش دهند یا قیمت بلیت‌ها را افزایش دهند. شرکت هواپیمایی فین ایر نیز به دلیل افزایش قیمت سوخت، اضافه کردن پوشش‌های جدید ریسک را متوقف کرده و برای سال‌های آینده نسبت پوشش ریسک پایینی در نظر گرفته است. در همین حال، شرکت‌های هواپیمایی اروپایی، به‌ویژه رایان ایر، تا تابستان ۲۰۲۷ پوشش ریسک کافی ندارند؛ موضوعی که می‌تواند به افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی قیمت بلیت هواپیما منجر شود.

بزرگترین هک رمز ارز در تاریخ

۱۷۰ میلیارد دلار از ارزش بازار رمزارزها پس از هک بزرگ‌ترین صرافی ارز دیجیتال جهان از بین رفت. بامداد دیروز (جمعه) صرافی بایننس هک شد و برآوردها نشان می‌دهد که ارزش دارایی‌های سرقت‌شده ممکن است به رقم ۶.۳ میلیارد دلار رسیده باشد. با این اتفاق، قیمت بیت‌کوین به کمتر از ۷۷ هزار دلار هم سقوط کرده است. صرافی رمزارز بایننس نیز در صفحه خود در شبکه اجتماعی «ایکس» اعلام کرد که در پی یک «حادثه امنیتی»، ۶.۳ میلیارد دلار از دست داده است. مقامات این صرافی اعلام کردند به دنبال یک حمله هکری، صرافی رمزارز «بایننس» تمامی عملیات واریز و برداشت را به حالت تعلیق درآورده است.

پورا براهیمی در گفت‌وگو با نوبنیاد:

بهانه‌تراشی به اسم جنگ بس است

رئیس کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تشریح الزامات مدیریت اقتصاد در شرایط جنگی گفت: نظام اقتصادی کشور با توجه به اینکه عملاً وارد یک عرصه مواجهه با جبهه استکبار، آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است، در ماه‌های اخیر همزمان با نبرد نظامی، شاهد اقدامات خصمانه همه‌جانبه دشمن در عرصه اقتصادی نیز بوده

است. او با تأکید بر اینکه نخستین گام ضروری، تشکیل یک قرارگاه و ساختار متمرکز تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی است که متأسفانه در حال حاضر وجود ندارد افزود: برخی تصمیمات دولت، کارشناسی‌شده نیست و نباید با بهانه‌قراردادن شرایط جنگی از کنترل ریشه‌های داخلی تورم غفلت کند.



هادی مولایی

روزنامه‌نگار

جبهه دشمن را در دستور کار عملیاتی قرار دهد. رئیس کمیسیون اقتصادی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح کرد: طبیعتاً محور اصلی و پیشانی اجرایی این تصمیمات، دولت به عنوان قوه مجریه است؛ هرچند این موضوع نافی مسئولیت سایر قوا و ارکان نظام در پشتیبانی و دفاع همه‌جانبه نیست و همه باید امکانات خود را در خدمت پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار دهند، اما از آنجا که دولت در خط مقدم این مواجهه با دشمن ایستاده، انتظار بیشتری از نسخه مدیریتی قوه مجریه می‌رود تا با اجرای مأموریت‌های لازم، به حل چالش‌ها کمک کند. آنچه در وضعیت فعلی مشهود است، نشان می‌دهد نحوه مقابله کشور با جریان جنگ اقتصادی در سطح مطلوب و مناسبی قرار ندارد و حتماً نیازمند بازنگری فوری است. پورا براهیمی بیان کرد: نخستین گام ضروری، تشکیل یک قرارگاه و ساختار متمرکز تصمیم‌گیری در حوزه اقتصادی است که متأسفانه در حال حاضر وجود ندارد. پیش‌تر ساختارهایی چون شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا یا اختیارات ویژه پیگیری می‌شد، اما امروز ایهام در اختیارات و جایگاه اثرگذاری آن‌ها مشهود است؛ این‌پراکندگی در تصمیم‌گیری‌ها اثرات منفی جدی بر آرایش جنگی اقتصاد جمهوری اسلامی بر جای گذاشته است. وی ادامه داد: بنابراین اولویت نخست، ایجاد ساختار سازمان‌یافته فرماندهی اقتصادی برای مدیریت شرایط حاضر، عبور از این شرایط حساس و بازگشت به روال عادی است؛ پس از گذر از این برهه می‌توان مجدداً وظایف را طبق روال معمول و بر بستر قوانین پایه کشور پیش برد. در غیاب این ساختار متمرکز، مسائل ارزی نیز آسیب جدی می‌بینند؛ چرا که رفتارهای دستگاه‌های اجرایی در تعارض با یکدیگر تعریف شده است؛ به عنوان نمونه، وزارت صنعت، معدن و تجارت یا وزارت جهاد کشاورزی به دنبال تخصیص و تأمین حداکثری ارز برای کالاهای خود هستند و بانک مرکزی نیز وظیفه تنظیم‌گری دارد، اما نبود تمرکز سبب می‌شود منابع ارزی به جای اصابت به اولویت‌های حیاتی مانند کالاهای اساسی و دارو، بر اساس نفوذ و رویکرد چانه‌زنی دستگاه‌ها تخصیص یابد؛ این رویه به هیچ‌وجه با شرایط ویژه کشور همخوانی ندارد؛ شرایطی که در آن برای تخصیص دلاری به دلار منابع ارزی باید اولویت‌سنجی و وجود داشته باشد.

تکرار سیاست‌های ناکارآمد گذشته

نوسط بانک مرکزی

پورا براهیمی با انتقاد از برخی سیاست‌های بانک مرکزی اظهار کرد: هرچند بانک مرکزی متولی اصلی بازار ارز است، اما نحوه

تصمیم‌گیری‌های کلان، مسیر کار را دچار چالش کرده است. تصمیماتی که گرفته می‌شود، گاهی کارشناسی‌شده نیست و تکرار تجارب گذشته است که عدم کارایی‌شان اثبات شده؛ نمونه بازار آن، اقدامات اخیر در تخصیص سهمیه ۱۰ هزار دلاری ارز با کارت ملی است. این رویکردها جز ایجاد یک اثر کوتاه‌مدت، در میان‌مدت و بلندمدت نمی‌توانند بازار ارز را مدیریت کنند و نیازمند بازنگری اساسی هستند. وی تأکید کرد: وظیفه و مأموریت اصلی بانک مرکزی در سراسر دنیا، پیش از ورود به کنترل مستقیم نرخ ارز، مهار تورم از طریق کنترل پایه پولی و رشد نقدینگی است. انتظار می‌رود بانک مرکزی به جای اقدامات انفعالی، با مهار عوامل تورم‌زا مانع نوسانات ارزی شود. یکی از ریشه‌های اصلی تورم فعلی، عدم برخورد قاطع با ناترازی بانک‌هاست. اکنون حدود دوسال از اصلاح و ابلاغ قانون بانک مرکزی و اعطای اختیارات کامل می‌گذرد، اما بخشی از تورم‌کشور ناشی از عدم نظارت و تداوم فعالیت بانک‌های ناتراز است که اثر توری آن فوراً بر نرخ ارز و در نهایت بر معیشت مردم تحمیل می‌شود.

بانک‌ها؛ تهدیدی برای تاب‌آوری اقتصاد ایران

این کارشناس اقتصادی گفت: کنترل ناترازی نظام بانکی و تسهیلات تکلیفی داخلی هیچ ارتباطی به موضوع جنگ با آمریکا یا اسرائیل ندارد و نباید با بهانه‌قراردادن شرایط جنگی از مدیریت ریشه‌های داخلی تورم غفلت کرد؛ هرچند جنگ می‌تواند ناترازی‌ها را تشدید کند، اما اصل مدیریت آن در دید بانک مرکزی است.

پورا براهیمی در پاسخ به پرسشی درباره ارتباط افزایش نرخ ارز رسمی (مرکز مبادله) با تورم تولید و کاهش تاب‌آوری ملی گفت: تغییرات نرخ ارز ارتباط مستقیمی با ارزش پول ملی و معیشت مردم دارد. افزایش نرخ ارز، ابتدا با اثر کوتاه‌مدت بر شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌نشیند و سپس با یک وقفه زمانی، اثر خود را به بخش تولید منتقل می‌کند؛ زیرا با توجه به اینکه بخش عمده واردات کشور (حدود ۸۰ درصد) شامل مواد اولیه، قطعات و کالاهای واسطه‌ای است، گران‌شدن ارز تخصیصی مستقیماً به‌ای تمام‌شده تولید را افزایش داده و تورم تولیدکننده را تحریک می‌کند. رئیس کمیسیون اقتصادی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطر نشان کرد: «این روند، تبعات منفی اجتماعی، روانی و واقعی به همراه دارد، موجب کاهش شدید قدرت خرید جامعه می‌شود و به تاب‌آوری ملی و معیشت مردم آسیب جدی وارد می‌سازد؛ از این رو، مهار و مدیریت فوری این نوسانات در کوتاه‌مدت برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

نبض اقتصاد

تورم ۱۸ درصدی مواد غذایی طی ۲ سال آینده در سایه جنگ ایران

بانک جهانی پیش‌بینی کرد که عرضه جهانی نفت در سال ۲۰۲۶ میلادی ۵.۲ درصد کاهش یابد؛ کاهش‌ی که به استثنای سال ۲۰۲۰ و رکود اقتصاد جهانی، بزرگ‌ترین افت سالانه در بیش از چهار دهه گذشته است. این پیش‌بینی در شرایطی مطرح شده که بازارهای انرژی با اختلالات گسترده ناشی از جنگ در منطقه و حملات به زیرساخت‌های نفتی روبه‌رو هستند. گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که قیمت انرژی در جهان در سال جاری ۳۲ درصد افزایش یافته و به بالاترین سطح از سال ۲۰۲۲ رسیده است؛ در حالی که فشارها بر عرضه و جریان تجارت بین‌المللی شدت گرفته‌اند.

این بانک پیش‌بینی کرد که قیمت کل کالاهای اولیه در سال ۲۰۲۶ حدود ۲۳ درصد بالا برود و این افزایش عمدتاً ناشی از رشد قیمت نفت، گاز طبیعی، فلزات و مواد غذایی باشد؛ سپس در سال ۲۰۲۷ قیمت‌ها ۷ درصد کاهش می‌یابد، هرچند خطرهای مرتبط با جنگ‌ها و اختلالات اقلیمی همچنان پابرجا می‌مانند. گزارش بانک جهانی هشدار می‌دهد که تشدید جنگ در غرب آسیا، ادامه آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های نفتی روسیه و افزایش آسیب‌پذیری بازارهای جهانی پس از تخلیه بخشی از ذخایر نفتی در دوران جنگ، می‌تواند اختلال در عرضه و افزایش قیمت‌ها را تشدید کند. بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که متوسط قیمت نفت خام برنت در سال ۲۰۲۶ به ۹۲ دلار در هر بشکه برسد؛ این در حالی است که تولید جهانی کاهش یافته و جریان‌های نفتی دچار اختلال شده‌اند.

با این حال، بانک جهانی احتمال داده است که تقاضای جهانی نفت خام امسال ۲.۵ درصد کاهش یابد؛ کاهش‌ی که به گفته این نهاد، سومین افت بزرگ تاریخی پس از کاهش تقاضای همراه با بحران کرونا در سال ۲۰۲۰ و بحران جهانی نفت در سال ۱۹۸۰ خواهد بود. این گزارش می‌افزاید که ضعف تقاضا به محدود شدن افزایش قیمت‌ها کمک کرده است، زیرا اگر کاهش مصرف جهانی رخ نمی‌داد، قیمت نفت می‌توانست به سطوح بالاتری برسد. این چشم‌انداز نشان‌دهنده عمق اختلالی است که بازار نفت را فرا گرفته است؛ کاهش عرضه هم‌زمان با کندی تقاضا؛ وضعیتی متفاوت از موج‌های افزایش قیمت که اساساً ناشی از قوت مصرف هستند.

پیش‌بینی‌های بانک جهانی تنها به بازار انرژی محدود نمی‌شود. این نهاد احتمال داده است که قیمت مواد غذایی در سال ۲۰۲۶ بیش از ۱۰ درصد در سال ۲۰۲۷ بیش از ۷ درصد افزایش یابد؛ افزایش‌ی که ناشی از اختلالات پیش‌آمده در محموله‌های غلات از مسیر دریای سیاه به دلیل جنگ میان روسیه و اوکراین است. بر این اساس، افزایش تجمعی قیمت مواد غذایی در این دوسال می‌تواند به حدود ۱۸ درصد برسد و فشارها بر کشورهای واردکننده مواد غذایی، به ویژه اقتصادهای کم‌درآمد را بیش‌تر کند. بانک جهانی همچنین پیش‌بینی کرد که قیمت کود در سال جاری ۱۴ درصد افزایش یابد که عامل اصلی آن رشد قیمت اوره است، و سپس در سال ۲۰۲۷ به سطوح ثبت‌شده در سال ۲۰۲۵ بازگردد.

در بازار فلزات نیز بانک جهانی احتمال داده است که قیمت‌ها در سال ۲۰۲۶ حدود ۲۵ درصد افزایش یابند و به سطوحی بی‌سابقه برسند؛ با پیش‌بینی رسیدن قیمت آلومینیوم، مس و قلع به این سطوح، دریا از اختلال عرضه و تقاضای بالا و مرتبط با سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، خودروهای برقی و مراکز داده است. در بخش فلزات گران‌بها نیز گزارش بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که قیمت‌ها در سال جاری ۴۰ درصد افزایش یابند که محرک آن رشد تقاضا برای دارایی‌های امن در سایه تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک و ابهام درباره سیاست‌های اقتصادی است.

بانک جهانی هشدار داد که هم‌زمانی تشدید جنگ در خاورمیانه با اختلالات بیشتر در محموله‌های غلات دریای سیاه، ادامه آسیب‌های وارد شده به تأسیسات نفتی روسیه و وقوع یک پدیده اقلیمی شدید از نوع «ال‌نینو» می‌تواند قیمت مواد غذایی را ۱۲ درصد بالاتر از پیش‌بینی پایه ببرد. این خطرهای احتمال تداوم فشارهای تورمی و ناچار شدن بانک‌های مرکزی به حفظ سیاست‌های پولی سخت‌گیرانه را افزایش می‌دهند.

ضربه

ناهماهنگی

دولت در

تصمیم‌گیری‌ها

به معیشت

مردم

کشورمان با جنگ

ترکیبی در عرصه

اقتصادی مواجه

است و فشارهای

آمریکایی‌ها با

هدف تضعیف ثبات

اقتصادی، ایجاد

التهاب در بازارها و

افزایش نارضایتی

عمومی دنبال

می‌شود. در این

شرایط، بیش از هر

زمان دیگری اتخاذ

تصمیمات سریع،

هماهنگ و متمرکز

در حوزه اقتصاد

ضروری است، اما

عملکرد دستگاه‌های

اقتصادی دولت

همچنان با

چالش‌هایی از

جمله پراکندگی

در تصمیم‌گیری

و ناهماهنگی در

تخصیص منابع ارزی

روبه‌روست که به

معیشت مردم ضربه

می‌زند.

یادداشت

پایان محاصره یمن،
شرط پایان حملاتحسین عبداللہی
روزنامه‌نگار

گرفتاری امروز سعودی ناشی از سیاست وابستگی به آمریکا است که البته جز ضرر و آسیب چیزی نصیبش نشده است. تا زمانی که محاصره دریایی و هوایی یمن به‌طور کامل برداشته نشود، عربستان نمی‌تواند انتظار بازگشت آرامش و امنیت به خاک خود را داشته باشد. معادله‌ای که یمنی‌ها بر آن تأکید دارند، محاصره در برابر محاصره است. نه وعده‌های مالی، نه میانجیگری‌های سیاسی و نه تهدیدهای نظامی نمی‌تواند جایگزین پایان دادن به محاصره شود.

در همین چارچوب، سفر اخیر هیئت سعودی در تهران و گزارش‌ها و گمانه‌زنی‌های مطرح‌شده درباره پیشنهاد پرداخت یک میلیارد دلار به یمن در ازای توقف حملات، معنای قابل تأملی دارد. اگر چنین پیشنهادی واقعاً روی میز قرار گرفته باشد، نشان می‌دهد طرف سعودی به خوبی دریافته است که ادامه وضعیت کنونی چه هزینه سنگینی برایش دارد. اما مسئله یمن با پرداخت پول حل‌شدنی نیست.

تحولات میدانی نیز نشان می‌دهد که یمن نه تنها قصد عقب‌نشینی ندارد، بلکه در حال گسترش میدان فشار بر طرف مقابل است. حملات موشکی و پهپادی به زیرساخت‌های نفتی و نظامی عربستان، از رأس‌توره و بقیق تا فرودگاه‌ها و مراکز نظامی، نشان داده است که عمق راهبردی عربستان دیگر مصون از تهدید نیست. هدف قرار گرفتن تأسیسات انرژی و مراکز حیاتی این کشور، مستقیماً امنیت اقتصادی و اعتبار نظامی ریاض را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در جبهه زمینی نیز تحرکات نیروهای انصارالله در مناطق المقاطرة، لحج و تعز و تلاش برای تسلط بر ارتفاعات راهبردی این مناطق، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیشروی در این محور می‌تواند مسیرهای ارتباطی و خطوط پشتیبانی نیروهای وابسته به عربستان در جنوب یمن را با چالش جدی مواجه کند. همزمان، مقام‌های دولت مستقر در صنعاء از نزدیک شدن به آزادسازی کامل تعز سخن گفته‌اند. به بیان دیگر، ریاض با جبهه‌ای مواجه است که همزمان در حوزه نظامی، اقتصادی و جغرافیایی برایش هزینه ایجاد می‌کند.

نکته قابل تأمل در این میان، سابقه شکست‌های عربستان در جنگ یمن است. ریاض حدود هشت سال با برخورداری از پیشرفته‌ترین جنگنده‌ها، تسلیحات غربی، حمایت اطلاعاتی و لجستیکی آمریکا و همراهی ائتلافی از کشورهای منطقه، سنگین‌ترین حملات هوایی را علیه زیرساخت‌ها و مناطق مختلف یمن انجام داد؛ اما نه تنها نتوانست مقاومت یمن را درهم بشکند، بلکه در نهایت ناچار شد پای میز مذاکره بنشیند. حالا همان عربستان بار دیگر در موقعیتی قرار گرفته که برای متوقف کردن حملات یمن به میانجیگری و پیشنهادهای مالی متوسل می‌شود.

واقعیت این است که عربستان در حال تکرار یک خطای راهبردی است؛ خطایی که هزینه آن را پیش‌تر با میلیارد‌ها دلار هزینه نظامی، خسارت به زیرساخت‌ها و ناامنی مرزهایش پرداخته است. ادامه این مسیر نه یمن را تسلیم می‌کند و نه امنیت را به ریاض بازمی‌گرداند. هرچه فشار نظامی بیشتر شود، هزینه‌های اقتصادی و امنیتی عربستان نیز افزایش خواهد یافت.



حسین عزیزی

روزنامه‌نگار

اهمیت انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و تأثیر آن بر تأمین مالی جنگ علیه ایران را چگونه می‌بینید؟

انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا از این جهت اهمیت دارد که در صورت پیروزی دموکرات‌ها با اختلاف قابل توجه، موضوع تأمین بودجه جنگ می‌تواند با چالش‌های جدی مواجه شود؛ زیرا تأمین مالی جنگ نیازمند تصویب کنگره است.

در شرایط کنونی، یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد دموکرات‌ها از جمهوری خواهان، جنگ علیه ایران است. آنان معتقدند این جنگ هزینه‌های سنگینی به آمریکا تحمیل کرده، موجب افزایش قیمت بنزین شده و افزایش قیمت سوخت نیز بر بیهای سایر کالاها تأثیر گذاشته است؛ درحالی که نتایج مورد انتظار از این جنگ حاصل نشده است.

در چنین شرایطی، نمایندگانی که با شعار مخالفت با جنگ علیه ایران وارد کنگره شده‌اند، اگر پس از چند روز با چند هفته بخواهند بودجه ادامه همان جنگ را تأمین کنند، با تناقضی آشکار مواجه خواهند شد. هرچه اختلاف تعداد کرسی‌های دموکرات‌ها و جمهوری خواهان بیشتر باشد، احتمال تصویب نشدن بودجه جنگ نیز افزایش می‌یابد. در مقابل، اگر این اختلاف اندک باشد، لابی اسرائیل از نفوذ کافی در میان نمایندگان حزب دموکرات برخوردار است و می‌تواند تعدادی از آنان را با تأمین مالی جنگ همراه کند.

چند ماه پیش، ترامپ درخواست بودجه‌ای معادل ۱.۵ تریلیون دلار برای وزارت دفاع آمریکا ارائه کرد؛ درحالی که بودجه متعارف پنتاگون معمولاً بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار بوده است. با وجود آنکه اکثریت کنگره آمریکا در اختیار جمهوری خواهان بود، این درخواست به تصویب نرسید.

براساس خبری که روز گذشته منتشر شد، دولت ترامپ و جمهوری خواهان کنگره توافق کرده‌اند که رقم ۱.۱ تریلیون دلار مبنای بررسی بودجه قرار گیرد. این مسئله نشان می‌دهد که حتی نمایندگان جمهوری خواه نیز در مباحث بودجه‌ای دیدگاه‌ها و ملاحظات مستقلی دارند و لزوماً تمامی درخواست‌های ترامپ را تأیید نمی‌کنند.

آیا موضوع دیگری غیر از بودجه هم می‌تواند کنگره را در تقابل با ترامپ قرار دهد؟

کنگره آمریکا نه تنها در تأمین بودجه، بلکه در نظارت بر مقامات قوه مجریه نیز از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است. این اختیارات شامل بررسی و تأیید صلاحیت وزرا، معاونان وزرا و سایر مقامات ارشد می‌شود. در تاریخ آمریکا نیز به‌صورت سنتی، بسیاری از جنگ‌ها با تصمیم رئیس‌جمهور، به‌عنوان فرمانده کل قوا، آغاز شده‌اند؛ اما پایان آن‌ها تحت تأثیر مداخله کنگره قرار گرفته است.

دکتر فواد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا در گفت‌وگو با نوبنیاد به تحلیل انتخابات آمریکا و الزامات رفتار ایران پرداخت

«هم می‌جنگیم؛ هم مذاکره می‌کنیم» یعنی پالس ضعف

انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا در شرایطی برگزار می‌شود که جنگ علیه ایران و پیامدهای اقتصادی و سیاسی آن به یکی از محورهای اصلی اختلاف میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان تبدیل شده است. نتیجه این انتخابات، به‌ویژه در صورت تغییر اکثریت مجلس نمایندگان، می‌تواند بر اختیارات دولت ترامپ برای ادامه جنگ، تأمین بودجه نظامی و پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای واشنگتن تأثیر بگذارد. در این میان، نحوه مواجهه ایران با تحولات سیاسی داخلی آمریکا اهمیت ویژه‌ای دارد. در گفت‌وگو با دکتر فواد ایزدی کارشناس حوزه آمریکا، ابعاد تأثیر انتخابات میان‌دوره‌ای بر سیاست دولت ترامپ در قبال ایران، محدودیت‌های قانونی رئیس‌جمهور آمریکا و فرصت‌ها و مخاطرات پیش‌روی ایران را بررسی کرده‌ایم.

سیاست‌گذاری در آمریکا به‌درستی شناخته نشود و تصور شود که می‌توان با این افراد به توافقی قابل افتخار دست یافت، نتیجه چنین برداشتی تداوم وضعیت کنونی «نه جنگ، نه صلح» خواهد بود. از این رو، ایران نباید اجازه دهد ترامپ بتواند خود را مدیر و کنترل‌کننده تحولات معرفی کند.

فاصله زمانی میان انتخابات و آغاز فعالیت کنگره جدید چه مخاطراتی برای ایران دارد؟

یکی دیگر از موضوعات مهم، فاصله زمانی حدود دوماه میان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای و آغاز فعالیت کنگره جدید است. این دوره می‌تواند از منظر تحولات مربوط به ایران خطرناک باشد. یکی از دلایل این خطر آن است که ترامپ می‌داند در صورت دستیابی دموکرات‌ها به اکثریت مجلس نمایندگان، که احتمال آن وجود دارد، تداوم پرونده ایران و طولانی شدن جنگ می‌تواند به یکی از ابزارهای فشار سیاسی علیه دولت او تبدیل شود. بنابراین، این احتمال وجود دارد که ترامپ در فاصله دوماه میان انتخابات و آغاز فعالیت کنگره جدید، برای حل و فصل موضوع ایران یا تغییر شرایط موجود، برنامه‌ریزی و اقدام کند.

پیمایی که باید به طرف آمریکایی منتقل شود، این است که نه تنها منابع نفتی ایران در دسترس آمریکا قرار نخواهد گرفت، بلکه سرمایه‌گذاری‌های عظیمی که طی سال‌های گذشته در جنوب خلیج فارس انجام داده و از آن‌ها درآمد‌های میلیاردری کسب کرده است نیز می‌تواند در معرض خطر قرار گیرند. در واقع، آمریکا باید به این جمع‌بندی برسد که هزینه و ریسک ادامه سیاست کنونی بسیار بالاست.

به همین دلیل، ضروری است که در شرایط کنونی، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و وزیر امور خارجه نیز از ادبیات و مواضع مشابه استفاده نکنند و پیام واحدی را منتقل سازند.

همچنین استفاده از عباراتی مانند «هم می‌جنگیم و هم مذاکره می‌کنیم» می‌تواند اثرگذاری مواضع پیشین را کاهش دهد؛ زیرا بلافاصله پس از بیان یک موضع بازدارنده، سخنانی مطرح می‌شود که عملاً پیام قبلی را خنثی می‌کند.

اختیارات رئیس‌جمهور آمریکا برای آغاز و ادامه جنگ تا چه اندازه است؟

رئیس‌جمهور ممکن است اختیار آغاز یک جنگ را داشته باشد، اما ادامه جنگ نیازمند تأمین منابع مالی است.

امکان دارد دولت برای چند روز یا چند هفته، با جابه‌جایی بخشی از منابع مالی موجود در پنتاگون، هزینه‌های عملیات نظامی را تأمین کند؛ اما ادامه این وضعیت در بلندمدت امکان‌پذیر نیست.

در این زمینه، قانون اختیارات جنگ نیز اهمیت دارد. اکنون شرایط می‌تواند تغییر کند و سازوکارهای قانون اختیارات جنگ فعال تر شوند. در چنین وضعیتی، ادامه بلندمدت سیاست جنگی علیه ایران می‌تواند با چالش‌های جدی مواجه شود.

رئیس‌جمهوری که آغازکننده جنگ بوده، معمولاً برای پایان دادن به آن با دشواری سیاسی مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، کنگره می‌تواند با قطع یا محدودکردن بودجه، زمینه توقف جنگ را فراهم کند.

یکی از نمونه‌های تاریخی این موضوع، ماجرای ایران-کنترا در دوره ریاست‌جمهوری رونالد ریگان است. دولت ریگان قصد داشت از نیروهای کنترا در نیکاراگوئه حمایت مالی کند؛ اما کنگره با این اقدام مخالف بود و منابع مالی مربوط به آن را قطع کرد. در نتیجه، دولت ریگان برای دوزدن محدودیت‌های کنگره و تأمین منابع مالی مورد نیاز، به اقداماتی متوسل شد که به ماجرای ایران-کنترا انجامید.

از این رو، حتی اگر سنای همچنان در اختیار جمهوری خواهان باقی بماند، اما اکثریت مجلس نمایندگان به دموکرات‌ها واگذار شود، دولت برای تأمین بودجه جنگ به رأی مجلس نمایندگان نیاز خواهد داشت؛ رأیی که در چنین شرایطی به‌آسانی در دسترس نخواهد بود.

عملکرد ایران در تشدید یا کاهش محدودیت‌های دولت ترامپ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر ترامپ بتواند نمایندگان کنگره را متقاعد کند که کنترل تحولات مربوط به ایران را در اختیار دارد، سیاست‌های ایران را مدیریت می‌کند و ادامه وضعیت موجود خطر جدی برای نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه ایجاد نخواهد کرد، احتمال همراهی نمایندگان با سیاست‌های او افزایش می‌یابد.

باید توجه داشت که نمایندگان دموکرات نیز مواضع ضدایرانی دارند. مخالفت آنان زمانی شدت می‌گیرد که سیاست دولت ترامپ مشکلات جدی و هزینه‌های قابل توجهی ایجاد کند. در مقابل، اگر این سیاست بدون هزینه‌های سنگین ادامه یابد، ممکن است دست کم بخشی از دموکرات‌ها نیز با آن همراه شوند. از این منظر، طرف ایرانی نباید صرفاً تماشاگر تحولات داخلی آمریکا باشد.

چهل روز پس از آنکه ترامپ رهبر ایران را به شهادت رساند، هیئت ایرانی در سطحی بالاتر در اسلام‌آباد با هیئت آمریکایی دیدار مستقیم انجام داد. پیامی که از این دیدار مخابره شد، از منظر سیاسی قابل توجه بود؛ زیرا چنین برداشتی می‌شد که حتی پس از کشته‌شدن رهبر ایران، طرف ایرانی همچنان برای مذاکره و ارائه امتیاز آمادگی دارد.

مقامات ایرانی نمی‌توانند هر روز و گاهی چند بار در روز، از آمادگی برای مذاکره سخن بگویند و به طرف آمریکایی این پیام را منتقل کنند که همچنان برای ارائه امتیاز آماده‌اند.

اساساً مذاکره واقعی با دولت کنونی آمریکا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا افرادی که امروز در کاخ سفید حضور دارند، همان جریان‌هایی هستند که طی سال‌های گذشته بر ضرورت خودداری از دستیابی به تفاهم با ایران تأکید کرده‌اند. اگر تفاوت جریان‌های فکری و

یادداشت

دقیقه اول جنگ جدید؛
دقیقه آخر حضور در NPTپدرام حسینی
روزنامه‌نگار

از اردیبهشت ۱۳۹۷ و خروج دونالد ترامپ از برج‌ام، یکی از پاسخ‌هایی که بارها در برابر تشدید فشار غرب، نقض تعهدات و به‌ویژه فعال‌سازی مکانیسم ماشه مطرح شد، خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT بود. اکنون پس از هشت سال، پرسش اساسی این است: اگر حتی جنگ مستقیم نیز نتواند تهران را به بازنگری در این معادله وادار کند، اساساً خط قرمز خروج از NPT کجاست؟

کارنامه این هشت سال پیش‌روی ماست؛ سیلی از تحریم‌ها، ترور دانشمندان، فشار اقتصادی، محاصره، دو جنگ و حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران. جمهوری اسلامی طی ۲۳ سال از ساخت سلاح هسته‌ای امتناع کرد و در حالی که خود را از پایبندترین اعضای NPT معرفی می‌کرد، سهمی بسیار سنگین از بازرسی‌های آژانس ـ ـ قریب به ۲۵ درصد ـ را پذیرفت. اما حاصل این تعهد چه بود؟ نه امنیت تضمین شد، نه تحریم‌ها پایان یافت و نه تأسیسات هسته‌ای از حمله مصون ماند. بخش مهمی از مسئولیت این وضعیت متوجه جریانی است که سال‌ها با ایجاد نوعی دیکتاتوری رسانه‌ای، هر سخن درباره هزینه و فایده عضویت در NPT یا تغییر دکترین هسته‌ای را تابو معرفی کرد. طیف بیسواد و بی‌دانش برج‌امی، به جای پاسخ به این سؤال که ۲۳ سال تعهد یک‌طرفه بدون تضمین امنیتی چه دستاوردی دارد، منتقدان را متهم کرد؛ تا آنجا که حتی پس از جنگ ۱۲ روزه و فعال‌شدن مکانیسم ماشه نیز ایران از NPT خارج نشد. این تابو در حالی است که حتی مرحوم اکبر اعتماد بنیانگذار سازمان انرژی اتمی در رژیم پهلوی نیز حضور ایران در این پیمان را بی‌فایده دانسته بود.

تلخ‌تر آنکه پس از ترور رهبری شهید، جنگ ۳۹ روزه و جنایات آمریکا و اسرائیل در میناب، لامرد و دیگر شهرها و شهادت غیرنظامیان نیز این تعلل ادامه یافت. اکنون مطالبه خروج ایران از NPT و حتی بازنگری در دکترین هسته‌ای و حرکت به سمت ساخت سلاح اتمی، دیگر قابل حذف از بحث عمومی درباره امنیت ملی ایران نیست.

امروز که قریب به اتفاق تحلیلگران از قریب الوقوع بودن جنگ سوم سخن می‌گویند، تصمیم نباید بار دیگر به پس از اصابت موشک‌ها موکول شود. مجلس باید از اکنون سازوکار حقوقی لازم را آماده کند: اگر آمریکا و اسرائیل جنگ سوم را آغاز کردند، در همان ساعات نخست، طرح خروج ایران از NPT با قید سه فوریت بررسی، با طی سریع فرآیند قانونی و تأیید شورای نگهبان نهایی و خروج ایران فوراً اعلام شود. ترامپ نیز روز جمعه ۸ آبان در گفت‌وگو با «کانزاس سیتی تالک» جمله‌ای گفت که منطق قدرت در سیاست بین‌الملل را عریان می‌کند: «اگر ایران سلاح هسته‌ای داشت، من آن‌ها را با عنوان «جناب» خطاب می‌کردم؛ اما قصد ندارم چنین کاری انجام دهم.» جنگ سوم، اگر تحمیل شود، نباید با تعلل سوم پاسخ داده شود.

تکرار
فریم‌به‌فریم
سناریوی قبل
از جنگ

تقریباً تمامی
قطعات پازل
روزهای اخیر یک
پیام مشترک دارند:
واشنگتن بار دیگر
مذاکره را همزمان با
تشدید فشار نظامی
جلو می‌برد. نامه
ونس به رضایی،
سخنان تام باراک،
تحركات قطر، طرح
شروطی درباره
اورانیوم ۶۰ درصدی
و تأسیسات
هسته‌ای و همزمان
ارائه گزینه‌های
حمله به ترامپ،
این گمان را تقویت
کرده که آمریکا بار
دیگر همان الگوی
(مذاکره، تهدید و
آماده‌سازی میدان)
را به اجرا گذاشته
است.

همزمانی پیام ونس، اشتیاق غرب‌گرایان برای توافق خیالی و تهدیدهای ترامپ، خاطره روزهای منتهی به جنگ ۴۰ روزه را زنده کرده است

دعوت به مذاکره یا تدارک جنگ؟!

پیام مذاکره، تحركات نظامی و تلاش میانجی‌ها برای مهار تنش، تصویری آشنا ساخته است؛ تصویری که به شکل نگران‌کننده‌ای یادآور روزهای منتهی به جنگ ۳۹ روزه و تلاش غرب‌گرایان برای توجیه توافق با ترامپ است.

در حالی که رسانه‌های آمریکایی از نامه جی‌دی ونس به سرلشکر محسن رضایی برای احیای مسیر مذاکره خبر می‌دهند، گزارش‌هایی درباره ارائه گزینه‌های تازه به دونالد ترامپ برای حمله به ایران منتشر شده است. کنار هم قرار گرفتن



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. ونس همچنین بر معرفی نمایندگان دارای اختیار برای مذاکره درباره مسائل هسته‌ای تأکید کرده است. واشنگتن پست می‌گوید کاخ سفید معتقد است فرصت دستیابی به توافق ممکن است رو به کاهش باشد و استانبول و دوحه دو مکان احتمالی برای دیدار ونس و سرلشکر رضایی هستند. حتی مقام‌های آمریکایی نزدیک به مذاکرات، براساس این گزارش، معتقدند تقابل با ایران به یک نقطه عطف حیاتی نزدیک شده است. معنای سیاسی این نامه نگاری مهم است. وال استریت ژورنال از ارتباط ونس با سرلشکر رضایی خبر داده و واشنگتن پست نیز در روایت خود جایگاه رضایی را در ادامه مذاکرات برجسته کرده است. آمریکا تغییر در دید و کارگزاری مذاکرات ایران را مشاهده کرده است؛ تغییری که نقش سرلشکر رضایی و نگاه نزدیک‌تر به خطوط قرمز رهبری را پررنگ‌تر کرده و کارگزاری مذاکرات را از دست مسئولانی همچون محمد باقر قالیباف که در تفاهم شکست خورده اسلام‌آباد گرفتار فریب آمریکا شدند، تا حدودی خارج کرده است. در این میان عراقچی و زیر خارجه برج‌امی وفاقی با ذوق زدگی از «مذاکره جدید» در توثیق نوشت: «ایران همچنان به دیپلماسی فرصت‌موقفیت می‌دهد. ما برای بررسی ایده‌هایی که بتواند طرح هفتم روزه را حتی در کمتر از یک هفته اجرا کند، به ارتباط نزدیک و مستمر با واسطه‌ها ادامه می‌دهیم.»

نامه مذاکره؛ همزمان با نقشه حمله!

ماجرای وقتی معنا دارتر می‌شود که در همان زمان، وال استریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی و منابع مطلع گزارش داد دریا سالار برد کوپر، فرمانده سازمان تروریستی سنت‌کام، پیت هگز، وزیر جنگ آمریکا و ژنرال دن کین، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، روز ۱۲ اکتبر در دیداری حضوری ترامپ را در جریان گزینه‌های نظامی برای حمله به ایران قرار داد. اهمیت ماجرا آنجاست که کوپر به‌ندرت حضوری با ترامپ ملاقات می‌کند و آخرین دیدار رودرروی آنها به ماه ژوئیه بازمی‌گردد. بنابراین درست در زمانی که نامه «مذاکره» راهی تهران می‌شود، گزینه‌های «حمله» نیز روی میز رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفته است. همزمان تام باراک، سفیر آمریکا در ترکیه و فرستاده ویژه ترامپ برای سوریه و عراق،

نشانه‌های روزهای گذشته بیش از هر زمان دیگری یادآور فضای پیش از جنگ ۴۰ روزه است؛ از یک سو پیام مذاکره و تحرک میانجی‌ها و از سوی دیگر تهدید، تحرک نظامی، عملیات سایبری و پروازهای شناسایی. واشنگتن بار دیگر همان سناریوی قدیمی را فریم‌به‌فریم روی میز گذاشته است؛ با این تفاوت که ایران تجربه دو جنگ را پشت سر گذاشته و نسبت به کارکرد پوششی «دیپلماسی فریب برای جنگ» حساس‌تر شده است.

وال استریت ژورنال در همین زمینه مدعی شده است: «جی‌دی ونس به دستور دونالد ترامپ نامه‌ای برای سرلشکر محسن رضایی، مقام ارشد امنیتی ایران، ارسال و خواستار احیای مذاکرات شده است. براساس روایت این رسانه، هدف از این اقدام جلوگیری از احتمال حمله جدید آمریکا به ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای هفته آینده است.» مطابق این گزارش، گفت‌وگوها فعلاً به جای یک طرح صلح مشخص برای ایجاد چارچوب مذاکرات متمرکز است؛ واشنگتن امتیاز در پرونده هسته‌ای می‌خواهد.

بالافاصله پس از انتشار این خبر، برخی فعالان رسانه‌ای مدعی شدند «پیام سطح بالایی» که اخیراً از آمریکا به ایران رسیده، هم «پیشنهاداتی» با «محورهای نشدنی» و هم «تهدیداتی» با «اهداف بی‌ثمر» دارد. این فعالان رسانه‌ای در خصوص محتوای این نامه مدعی شدند: اگر آمریکا بر بازرسی از سایت‌های هسته‌ای بمباران شده و تأسیسات جدید از حمله فردو و «کوه کلنگ» و همچنین تحویل اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی ـ که از خطوط قرمز رهبری جدید عبور می‌کند ـ اصرار کند و همزمان ایران را به جنگ پس از انتخابات کنگره تهدید کند، وقوع جنگ اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. تعبیر معنادار این فعالان نیز آن بود که «برخی نامه‌ها پیش از آنکه حتی به مقصد برسند، پاسخ داده می‌شوند!»

فریب خورده‌گان کنار رفته‌اند

واشنگتن پست نیز در گزارشی مدعی شد پیام ونس به رضایی بر اولویت دادن به نیامع آمریکا و ایران متمرکز بوده است. براساس این روایت، ونس گفته در مقابل، منفعت اصلی واشنگتن اطمینان یافتن از

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۹ آبان ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۷۳

یادداشت

شهر بی‌خاطره؛ تهران در مسیر فراموشی

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

نهم آبان، روز جهانی شهرهاست. شعار امسال «احیای شهر؛ مسکن مناسب برای همه» انتخاب شده. شعاری که توجه‌ها را به کیفیت زندگی مردم در شهرها جلب می‌کند. با این حال، در کنار مسکن، حمل‌ونقل، آلودگی و زیرساخت، یک مسئله مهم دیگر هم وجود دارد: شهرهای ما با گذشته و حافظه تاریخی خود چه می‌کنند؟ این پرسش برای تهران و بسیاری از کلان‌شهرهای ایران اهمیت بیشتری پیدا کرده است. تهران در چند دهه گذشته چنان با سرعت تغییر کرده که بخش‌هایی از هویت تاریخی آن در میان ساخت‌وسازهای جدید گم شده است. خانه‌های قدیمی تخریب می‌شوند، باغ‌ها جای خود را به ساختمان‌های بلند می‌دهند و محله‌هایی که زمانی هویت مشخصی داشتند، آرام‌آرام چهره خود را از دست می‌دهند.

شهر فقط مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و پروژه‌های عمرانی نیست. هر محله بخشی از خاطرات مردم را در خود نگه می‌دارد. خانه‌ای که چند نسل در آن زندگی کرده‌اند، مدرسه‌ای که چند نسل از یک خانواده در آن درس خوانده‌اند، میدان و بازارِی که محل دیدار و معاش مردم بوده و کوچه‌ای که بخشی از زندگی روزمره شهروندان را شکل داده است. با تخریب این فضاها، بخشی از حافظه جمعی شهر هم از بین می‌رود. نگرانی اصلی اینجاست که در بسیاری از موارد، ارزش اقتصادی زمین بر ارزش تاریخی و اجتماعی آن غلبه می‌کند. یک خانه قدیمی ممکن است از نگاه سرمایه‌گذار فقط یک قطعه زمین با امکان ساخت‌وساز بیشتر باشد. یک باغ شهری هم ممکن است به دلیل ارزش زمین، در معرض تغییر کاربری قرار بگیرد. نتیجه چنین رویکردی، شهری است که هر روز نوسازتری می‌شود و همزمان بخشی از هویت خود را از دست می‌دهد.

این مسئله فقط به تهران محدود نیست. در اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد، رشت و دیگر شهرهای بزرگ ایران نیز بخش‌هایی از بافت تاریخی و سنتی در برابر توسعه شتاب‌زده شهری آسیب‌پذیر هستند. اگر این روند بدون برنامه ادامه پیدا کند، نسل‌های آینده با شهرهایی روبه‌رو خواهند شد که ساختمان‌های جدید فراوان دارند، اما نشانه‌های کمتری از گذشته در آنها باقی مانده است.

روز جهانی شهرها می‌تواند فرصتی برای توجه دوباره به همین مسئله باشد. آینده تهران و کلان‌شهرهای ایران فقط به تعداد پروژه‌های عمرانی و ساختمان‌های جدید وابسته نیست. شهری که حافظه خود را از دست بدهد، بخشی از هویت خود را هم از دست خواهد داد. توسعه واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که شهر برای زندگی امروز آماده شود، بدون اینکه گذشته خود را قربانی کند.

نگاهی به موج‌تازه‌نمایش‌های ایران باستان

علیه ایران با اسم رمز «ایران»

عمدتاً ملودراماتیک تبدیل شده است. روایتی که به تعبیر منتقدان، کشمکش‌های درونی شخصیت‌ها را قربانی شتاب روایت کرده است. «کوروش» نادر برهانی‌مزد نیز زندگی‌گوروش را از تولد تا فتح هگمتانه در حدود یک مسیر تاریخی فشرده روایت می‌کند. در هر دو، پرسش اساسی این است: چرا درست در زمانی که جامعه ایران با مفهوم مقاومت و خونخواهی درگیر است، اسطوره‌ها بیشتر به گذشته‌ای برای تماشا تبدیل شده‌اند تا الگویی برای کنش امروز؟



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

نقطه آغاز باید‌نمایش «سیاوش» باشد. اثر حسین پارسایی براساس نمایشنامه «افسانه سیاوش» متین ایزدی که در زمین تنبیس باشگاه انقلاب اجرا می‌شود.

فارغ از نسبت «سیاوش» با شرایط تاریخی معاصر، منتقدین درباره این نمایش چند ضعف مشخص را تکرار کرده‌اند. مهم‌ترین آنها شتاب روایت است. تلاش برای گنجاندن بخش بزرگی از داستان سیاوش در زمان محدود، باعث شده رخدادها بیشتر به صورت گزارش تصویری پشت سرهم عرضه شوند و فرصت شکل‌گیری کشمکش درونی شخصیت‌ها از میان برود. به طوری که هیچ‌یک از حوادث مجال عمیق شدن پیدا نمی‌کند. استفاده از «شیطان» برای نمایش درونیات شخصیت‌ها نیز تمهیدی قدیمی و کلیشه‌ای ارزیابی شده است. نکته مهم اینجاست: یکی از مهم‌ترین وجوه شخصیت سیاوش ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم است. اما خبری از این ویژگی در نمایش اخیر نیست. تراژدی‌های شاهنامه در اجراهای جدید غالباً به سمت ملودرام رفته‌اند و لایه‌های فکری و سیاسی آنها از دست رفته است.

بنابراین اگر «سیاوش» امروز در ذهن مخاطب بیشتر به عنوان جوانی مظلوم که قربانی توطئه می‌شود باقی بماند تا انسانی که در بزنگاه قدرت، حاضر به زیرپا گذاشتن اصولش نیست، مسئله فقط یک ضعف هنری نیست. اینجا بخشی از معنای سیاسی اسطوره حذف شده است که اتفاقاً با مفهوم مقاومت عجین است. سیاوش در روایت فردوسی شکست می‌خورد، اما تسلیم نمی‌شود. حذف این وجه، یک انتخاب و حذف بی‌اهمیت نیست. آن هم در شرایط کنونی کشور.

«کوروش» اما مسیری متفاوت دارد. نمایش نادر برهانی‌مزد در سالن اصلی تئاتر شهر، زندگی کوروش را از تولد تا فتح هگمتانه دنبال می‌کند.



همزمان با نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، شبکه‌های رادیویی فرهنگ، جوان، صبا، نمایش و تهران با تدارک ویژه برنامه‌های متنوع به پوشش این رویداد سینمایی می‌پردازند. این برنامه‌ها با محوریت معرفی آثار، گفت‌وگو با فیلم‌سازان و بازخوانی ظرفیت سینما در روایت مقاومت، مخاطبان را در جریان رویدادها قرار

یادداشت

بت؛ وقتی ایده از اجرا جلوتر است

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

حمید نعمت‌الله این بار با آخرین اثرش به سراغ جهانی رفته که در آن دیده‌شدن، شهرت و جلب توجه به سرمایه، قدرت و ابزار سلطه تبدیل شده‌اند. انتخاب این موضوع هوشمندانه است. مسئله‌ای کاملاً معاصر که می‌تواند زمینه یک درام اجتماعی تند و چندلایه باشد. مشکل از جایی آغاز می‌شود که فیلم نمی‌تواند این ایده را به اندازه کافی دراماتیزه کند.

روایت با شخصیت‌هایی متعدد و خواسته‌هایی متفاوت شکل می‌گیرد، اما هرچه پیش می‌رود، خرده‌روایت‌ها به جای آن که در خدمت خط اصلی داستان قرار بگیرند، آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. مناسبات پیرامون شخصیت لیلا -شخصیت اصلی- هر کدام بالقوه ظرفیت یک خط داستانی مستقل دارند، اما فیلم در اتصال آنها به یکدیگر دچار مشکل می‌شود. نتیجه، روایتی است که به جای حرکت متمرکز به سوی یک بحران، مرتب مسیر خود را تغییر می‌دهد.

این پراکندگی مستقیماً به شخصیت‌پردازی هم آسیب زده است. بسیاری از آدم‌های فیلم بیش از آن که شخصیت‌هایی با جهان درونی مشخص باشند، حامل یک کارکرد روایی یا نماد اجتماعی‌اند. می‌دانیم چه می‌خواهند، اما همیشه نمی‌فهمیم چرا دقیقاً چنین رفتاری از آنها سر می‌زند. به همین دلیل بعضی موانع داستانی، به جای آن که حاصل برخورد طبیعی آدم‌ها با یکدیگر باشند، شبیه ابزارهایی برای جلو بردن فیلمنامه به نظر می‌رسند.

مسئله دیگر، ریتم است. فیلم در بخش‌هایی بیش از اندازه در موقعیت‌هایی می‌ماند که تنش تازه‌ای تولید نمی‌کنند و در بخش‌هایی دیگر، از اتفاقاتی که می‌توانستند منشأ تعلیق و کشمکش شوند، با سرعت عبور می‌کند. طول فیلم نیز زمانی مسئله‌ساز می‌شود که هر دقیقه اضافه نتواند به شناخت شخصیت یا افزایش بحران منجر شود و نتیجه دقایقی بسیار کسالت‌بار در فیلم است.

مسئله اصلی «بت» فقدان ایده نیست؛ برعکس، فیلم بیش از آن که ایده کم داشته باشد، از زیادی ایده آسیب می‌بیند. نعمت‌الله می‌خواهد هم درباره شهرت مجازی حرف بزند، هم پول، قدرت، تنهایی، میل به دیده‌شدن و استثمار انسان در اقتصاد توجه.

اما این مفاهیم همیشه به تجربه شخصیت‌ها تبدیل نمی‌شوند. «بت» می‌خواهد درباره انسان‌هایی باشد که در جهان امروز به کالا تبدیل می‌شوند؛ اما برای رسیدن به این گزاره، بیش از آن که شخصیت بسازد، موضوعات را کنار هم می‌چیند. نتیجه فیلمی بلندپرواز است که در سطح ایده جذاب‌تر از سطح درام باقی می‌ماند.

کولاک صدای جمهوری اسلامی برای جشنواره فیلم مقاومت